



## یادداشتهای قرآنی

دکتر فریدون سیامک‌نژاد

ملائکه را دختران خداوند می‌پنداشتند. از این رو، در آیه فوق چنین می‌فرماید که آن‌ها برای خداوند از میان بندگانش، جزیی قرار دادند. فرشتگان را دختران خدا و معبودان خود پنداشتند. خرافه زشتی که در میان بسیاری از بت‌پرستان رواج داشت. تعبیر به «جزء» هم بیان‌گر این است که آن‌ها فرشتگان را فرزندان خدا می‌شمردند، زیرا همیشه، فرزند جزیی از وجود پدر و مادر است که به‌صورت نطفه از آن‌ها جدا می‌شود و با هم ترکیب می‌گردد و هسته‌بندی فرزند از آن آغاز می‌شود. این مسأله نیز بیان‌کننده پذیرش عبودیت آن‌ها است، چرا که فرشتگان را جزیی از معبودان در مقابل خداوند تصور می‌کردند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
وَجَعَلُوا لَهُ مِنْ عِبَادِهِ جُزْءًا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ  
مُبِينٌ (آیه ۵۱ سوره زخرف)  
آن‌ها برای خداوند از میان بندگانش، جزیی قرار دادند (و ملائکه را دختران خدا خواندند) انسان کفران‌کننده آشکاری است.

### یادآوری

کفران نعمت‌های خداوند تبارک و تعالی به کرات در قرآن مجید آمده و خداوند آن را رد کرده و مورد نکوهش قرار داده است. شرک و بت‌پرستی نیز امری نکوهیده بوده و به شدت با آن برخورد شده است. یکی از شاخه‌های پرستش غیر خدا این است که منکران توحید، به پرستش فرشتگان رفته،

آیه فوق نیز به این مسأله اشاره کرده و چنین می‌فرماید که این تنها ادعای مشرکان عرب نیست. همین‌گونه ما در هیچ شهر و دیاری پیش از تو پیغمبری انذار کننده نفرستادیم، مگر این که ثروتمندان مست و مغرور گفتند: ما پدران خود را بر مذهبی یافتیم و ما به آثار آنان اقتدا می‌کنیم.

از این آیه به خوبی استفاده می‌شود که سردمداران مبارزه با انبیاء و آن‌ها که مسأله تقلید از نیاکان را مطرح می‌کردند و سخت روی این مسأله ایستاده بودند، همان ثروتمندان مست و مغرور و مرفه بودند، زیرا آن‌ها افراد فزون طلبی بودند که غرق شهوات و هوس‌ها می‌شدند و این مسأله باعث طغیان آن‌ها می‌گردید. مصداق این گونه افراد نیز، پادشاهان و حاکمان و جباران و ثروتمندان مستکبر و خود خواه است.

آری آن‌ها بودند که با قیام انبیاء، به دوران خود کامگی‌هایشان پایان داده می‌شد و منافع نامشروعشان به خطر می‌افتاد و مستضعفان از چنگال آن‌ها رهایی می‌یافتند و به همین دلیل با انواع حیل و بهانه‌ها، به تخدیر و تحمیق مردم می‌پرداختند! امروز نیز بیشترین فساد دنیا از همین مترفین سر چشمه می‌گیرد، که هر جا ظلم و تجاوز و گناه و آلودگی است، آن جا حضوری فعال دارند.

بنابراین، باید در نظر داشته باشیم که افراد مغرور و خودخواه و مستکبر در طول تاریخ در مقابل حق ایستادگی کرده، برای حفظ موقعیت خویش، دست به هر جنایتی زده‌اند.

این تعبیر در ضمن، یک استدلال روشن بر بطلان اعتقاد خرافی مشرکان است، چرا که اگر فرشتگان، فرزندان خدا باشند، لازمه‌اش این است که خداوند جزء داشته باشد و نتیجه آن، ترکیب ذات پاک خدا است، در حالی که دلایل عقلی و نقلی، گواه بر بساطت و احدیت وجود او است، چرا که جزء، مخصوص به موجودات امکانیه است.

سپس می‌افزاید: انسان کفران کننده آشکاری است.

این همه نعمت‌های الهی، سراسر وجود او را احاطه کرده، با این حال، به جای این که سر بر آستان خالق و ولی نعمت بساید، راه کفران پیش گرفته، به سراغ مخلوقاتش می‌رود (چهارشنبه ۹۹/۱۱/۸).

### بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

وَ كَذٰلِكَ مَا اَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِی قَرْیَةٍ مِنْ نَذِیْرٍ  
اِلَّا اَقَالَ مَتْرَفُوْهَا اَنَا وَ جَدْنَا اَبَاءَنَا عَلٰی اُمَّةٍ وَاَنَا عَلٰی  
اَنْۡرَهِمْ مُّقْتَدُوْنَ (آیه ۳۲ سوره زخرف)

و این‌گونه در هیچ شهر و دیاری پیش از تو پیامبر انذار کننده‌ای نفرستادیم، مگر این که ثروتمندان مست و مغرور آن گفتند: ما پدران خود را بر آیینی یافتیم و به آثار آنان اقتدا می‌کنیم.

### یادآوری

یکی از دلایلی که بت‌پرستان برای بت‌پرستی خود می‌آورند، این نکته است که می‌گویند: ما به تقلید از نیاکان خود ادامه می‌دهیم!

شهرت آنان بود. این افراد کوتاه بین و سبک مغز، تصور می‌کردند که ثروتمندان و شیوخ ظالم قباایل آن‌ها، مقرب‌ترین مردم در درگاه خدا هستند. از این رو، تعجب می‌کردند که این موهبت نبوت و رحمت بزرگ الهی، چرا بر یکی از این قماش افراد نازل نشده است؟ و به عکس بر یتیم و فقیر و تهی‌دستی به نام محمد (ص) نازل شده است؟ این مسأله‌ای باور کردنی نیست!

آری آن نظام ارزشی نادرست، چنین استنباطی هم به دنبال داشت و بالای بزرگ جوامع بشری و عامل اصلی انحراف فکری آن‌ها، همین نظام‌های ارزشی غلط است، که گاه حقایق را کاملاً واژگون نشان می‌دهد. واقعیت مسأله این است که حامل این دعوت الهی، باید کسی باشد که روح تقوا سراسر وجودش را پر کرده باشد. انسانی آگاه، با اراده، مصمم، شجاع، عادل و آشنا به درد محرومان و مظلومان باشد.

البته، بهانه جویان مشرک، روی شخص معینی نظر نداشتند، بلکه هدف آن‌ها اشاره به یکی از افراد پُرپیول و سرشناس و قوم و قبیله‌دار بوده است (جمعه ۹۹/۱۱/۱۰)!

### بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَمَنْ يَعِشْ عَنِ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نَقِيضٌ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ (آیه ۶۳ سوره زخرف)  
و هر کس از یاد خدا روی گردان شود، شیطان را به سراغ او می‌فرستیم، پس همواره قرین او است.

به هر حال، این آیه یک نوع تسلی‌خاطری برای پیامبر اسلام (ص) و مؤمنان است که بدانند بهانه جویی مشرکان چیز تازه‌ای نیست و این همان راهی است که همه گمراه‌ها در طول تاریخ پیموده‌اند (پنج‌شنبه ۹۹/۱۱/۹)!

### بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَقَالُوا لَوْلَا نَزَّلَ هَذَا الْقُرْآنُ عَلَى رَجُلٍ مِنَ الْقَرِيبِينَ عَظِيمٍ (آیه ۱۳ سوره زخرف)  
و گفتند: چرا این قرآن بر مرد بزرگ (و ثروتمندی) از این دو شهر (مکه و طائف) نازل نشده است؟!

### یادآوری

بهانه‌جویی‌های مشرکان به شکل‌های مختلف و از زوایای گوناگون در قرآن مجید مطرح شده است. در واقع، دعوت پیامبران الهی توسط مشرکان مورد قبول واقع نمی‌شد. گاهی آن را سحر می‌خواندند و گاه به تقلید از نیاکان خود متوسل شده، به سخن خداوند پشت می‌کردند.

در آیه فوق به یکی دیگر از بهانه‌های واهی و بی‌اساس آنان اشاره کرده و می‌فرماید: آن‌ها گفتند چرا این قرآن بر مرد بزرگی از این دو شهر (مکه و طائف)، یعنی مردی ثروتمند و سرشناس نازل نشده است؟! آن‌ها از یک نظر حق داشتند سراغ چنین بهانه‌هایی بروند، زیرا از دیدگاه آن‌ها، معیار ارزش انسان‌ها، مال و ثروت و مقام ظاهری و

## یادآوری

ادامه می‌یابد که گاهی راه بازگشت به روی او بسته می‌شود، چرا که شیطان‌ها، اعم از شیطان رجیم و شیطان‌های زمینی و افکار شیطانی از هر سو او را احاطه می‌کنند و این نتیجه عمل خود انسان است، هر چند نسبت آن به خداوند نیز، به‌عنوان سبب الاسباب بودن صحیح بوده، منافاتی با یک دیگر ندارند (شنبه ۹۹/۱۱/۱۱).

### بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

وَ اِنَّهُمْ لَیَصْذَوْنَهُمْ عَنِ السَّبِیْلِ وَ یَحْسَبُوْنَ  
اَنَّهُمْ مُّهْتَدُوْنَ (آیه ۷۳ سوره زخرف)  
و آن‌ها (شیطان‌ها) این گروه را از راه (خدا)  
باز می‌دارند، در حالی که گمان می‌کنند  
هدایت یافتگان حقیقی آن‌ها هستند.

## یادآوری

شیطان رجیم و شیطان‌های زمینی طوری انسان‌ها را فریب می‌دهند و اسیر و سوسه‌های خویش می‌نمایند، که آن‌ها چنین می‌پندارند که هدایت یافتگان حقیقی هستند.

این‌گونه شیطان‌ها چنان افراد گمراه و از خدا بی‌خبر را از راه راست منحرف می‌نمایند، که هیچ راه بازگشتی ندارند.

البته، اگر افراد توبه کرده، به راه پروردگار در آیند و توبه آن‌ها واقعی و حقیقی باشد و دیگر دنبال گمراهی و فساد و تباهی نروند، خداوند آن قدر رحمان و رحیم است، که آن‌ها را می‌بخشد و حیل‌های شیطان رجیم و حقه‌های شیطان‌های زمینی را از آن‌ها دور می‌نماید.

ذکر خداوند تبارک و تعالی باعث اطمینان قلبی و آرامش روحی و جسمی انسان می‌شود. خدا باوری واقعی باعث می‌شود تا انسان اسیر و سوسه‌های شیطان رجیم نشده، از راه راست و صراط مستقیم خارج نگردد.

از این رو، آیه فوق به انسان‌ها هشدار داده که اگر از یاد خدا روی گردان شوند، شیطان را به سراغ آن‌ها می‌فرستیم، پس همواره قرین آن‌ها است.

در حقیقت، قرآن مجید چنین یادآوری می‌نماید که دنیا پرستی و مال دوستی باعث می‌گردد که انسان دچار بیگانگی از خدا شده، اسیر هوی و هوس گشته، با شیطان رجیم قرین گردد.

آری غفلت از ذکر خدا و غرق شدن در لذات دنیا و دل باختگی به زرق و برق آن، موجب می‌شود که شیطان بر انسان مسلط گردد و همواره قرین او باشد و رشته‌ای بر گردنش افکنده، می‌برد هر جا که خاطرخواه او است!

بدیهی است که جای این ندارد که کسی تصور جبر از این آیه کند، چرا که این نتیجه اعمالی است که خود آن‌ها انجام داده‌اند.

واقعیت مسأله این است که اعمال انسان، مخصوصاً غرق شدن در لذات دنیا و آلوده شدن به انواع گناهان، نخستین تأثیرش این است که پرده بر قلب و چشم و گوش انسان می‌افتد، او را از خدا بیگانه می‌کند و شیطان‌ها را بر او مسلط می‌سازد و تا آن جا

از این رو، آیه فوق چنین می‌فرماید که آن‌ها این گروه را از راه خدا باز می‌دارند. هر وقت اراده بازگشت کنند، سنگی بر سر راه آن‌ها می‌افکنند و مانعی ایجاد می‌کنند، تا هرگز به صراط مستقیم باز نگردند. واقعیت مسأله این است که شیطان رجیم و شیطان‌های زمینی، آنچنان طریق گمراهی را در نظر آن‌ها زینت می‌دهند که گمان می‌کنند هدایت یافتگان حقیقی، آن‌ها هستند. همان‌گونه که در آیه ۳۸ سوره عنکبوت درباره «عاد» و «ثمود» می‌خوانیم: شیطان اعمالشان را در نظرشان زینت داد و آن‌ها را از راه باز داشت، در حالی که قبلاً راه را پیدا کرده بودند.

بنابراین، مشخص می‌شود که اگر انسان از یاد و نام خداوند تبارک و تعالی فاصله بگیرد و پروردگار یکتا را فراموش کند، قطعاً اسیر وسوسه‌های شیطان رجیم شده، از راه راست منحرف خواهد گردید.

از خداوند می‌خواهیم که به ما توفیق دهد تا به خودمان واگذار نشویم. از درگاهش مسئلت می‌نماییم که مصلحان و رهبران جامعه را طوری هدایت فرماید که در گفتار و کردار خویش، مروج دوری از هوای نفس بوده، اجتماع و مردم را از تزویر و ریا، بر حذر دارند (یک‌شنبه ۹۹/۱۱/۱۲).

ایام‌تان به کام، عاقبت‌تان ختم‌به‌خیر.  
التماس دعا.